

رسالت حوزه‌های علمیّه

محمد قاسم قاسمی

حوزه و گذشته آن

الحمد لله و كفى و سلام على عباده الذين اصطفى تاريخچه حوزه به عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم برمی گردد. پایه گزار آن، حضرت سرور موجودات فخر کاینات حضرت محمد رسول الله صلى الله عليه و سلم است؛ خجسته ترین و پریمیمنت ترین روزهای آن، همان بود که پیامبر مهربان و پر عطف بر روی حصیر زیر سقف چوبی تشریف فرما می شد و پروانگان خورشید رسالت گرداگرد وی جمع می شدند و از خرمن رسالت خوشه می چیدند و از دریای معرفت گوهر می گرفتند، به راستی که در آن لحظات هیچ مکانی در زیر آسمان و روی زمین بهتر و مبارک تر از آن جایگاه وجود نداشت.

ادب گاهیست به زیر آسمان از عرش نازکتر

نفس گم کرده می آید، جنید و بایزید اینجا

نام آن جایگاه پربرکت «صقه» بود. طلاب و دانش پژوهان آن، به «اصحاب صقه» شهرت داشتند. هر فردی از آن گروه مقدس به قدری سرشار از طلب صادق بود که به جز علم و معرفت به هیچ چیز دیگری دل نمی بست. ابوهریره نیک طینت و عاشق علم و معرفت، به قدری به ساختمان ساده و چوبین آن جایگاه، علاقه داشت که فراقش را کمتر تحمل می کرد. ساعتها می گذشت ولی چیزی برای خوردن نمی یافت اما با وجود این، به حرص اینکه گوهری جدید به گوهرهای دانش خود بیفزاید آنجا را ترک نمی کرد. تاریخ، این واقعه را فراموش نمی کند که روزی از روزها ابوهریره بر زمین افتاده بود. مردم از کنارش عبور می کردند، عده ای چنین پنداشتند که بیماری صرع دارد. پاهای او را برداشتن گذاشتند، اما نمی دانستند که ابوهریره کسالتی ندارد ولی روزها سپری شده که حتی بوی غذا به مشامش نرسیده است. بعد از عصر طلایی رسالت، تحولات گوناگونی پدید آمد. در کیفیت حوزه نیز دگرگونیهایی به وقوع پیوست اما به هر حال در ایفای رسالتش تقصیر نمی کرد. جهان اسلام نسبت به حوزه‌ها شدیداً احساس نیاز می کرد. مسلمانان جگر گوشه‌های خویش را برای تعلیم و تربیت به آغوش حوزه‌ها می سپردند.

آنگاه که جهان از حوزه‌ها الهام می گرفت

آنگاه که جهان از حوزه‌ها الهام می گرفت و قافله بشریت در پرتو تعالیم اسلام راه زندگی را ادامه می داد آرامش و امنیت، رفاه و آسودگی بر سراسر گیتی حاکم بود، عدالت و انصاف در تمام جامعه مشاهده می شد، کوچکتران به بزرگتران احترام می گذاشتند، بزرگان نسبت به کوچکتران شفیق و مهربان بودند، هر فردی در جامعه به حقوق خود آشنا بود و حق دیگران را رعایت می کرد، ارتباط میان حاکم و محکوم بر اساس صمیمیت و اعتماد برقرار بود، هیچ کسی از ظلم و ستم نسبت به حق خود، هراسی نداشت، جهان شرق، گهواره تمدن و مرکز علم و دانش بشمار می آمد. شاهزادگان اروپائی و فرزندان دنیای غرب جهت تحصیل علم و دانش، گروه گروه به مراکز علمی شرق می آمدند و با صدها افتخار و امتیاز به کشورهای خویش برمی گشتند. اما از وقتی که غرب زدگی بر جهان بشریت سایه گسترانید، قیادت و رهبری فکری و سیاسی از شرق به غرب منتقل گشت، کلیه ارزشها دستخوش تحول گردید. با وجود رشد و پیشرفت بی سابقه صنعت و تکنولوژی و کثرت اختراعات و اکتشافات، به افسردگی و اضطراب بشریت افزایش یافت.

به تعبیر علامه اقبال؛ که خطاب به غرب می گوید:

عجب این نیست که اعجاز مسیحا داری

عجب این است که بیمار تو بیمارتر است

نظام‌های ساخت بشری به تیره بختی بشریت افزودند. به تعبیر علامه بزرگ، امام دعوت اسلامی در قرن بیستم حضرت سید ابوالحسن علی ندوی؛ «خردمندان غربی چون برای حل مشکلات راه درستی نیافتند، کوشیدند مشکل را با مشکل حل کنند. آنها برای حل مشکلات اقتصادی راه درآمدهای نادرست، استعمار ملل ضعیف و استثمار مستضعفان و القأ مالکیت فردی را پیش گرفتند و برای حل مشکلات سیاسی، استبداد حزبی را جایگزین استبداد فردی قرار داده و به تعداد ظالمان و ستمگران افزودند، در واقع ظلم را با ظلم و اسراف را با اسراف و جهل را

باشند و بر اثر نبوغ شخصی شان بر شیوه آموزشی که می بینند فایق آیند. اگر این افراد انگشت شمار را استثنا کنیم، شیوه آموزش غربی حتماً موجب ضعف عقیده جوانان خواهد شد. همین نویسندگان در پایان با صراحت هر چه تمام تر می گوید: اگر مسلمانان در گذشته بحث علمی را مهمل گذاشته اند، اکنون نمی توانند با پذیرش شیوه آموزش غربی، اشتباهات گذشته را جبران کنند و خلا آن سهل انگاری را پر نمایند. آری خوانندگان عزیز آنچه در قرن اخیر در جهان اسلام به وقوع پیوست و آن را پاره پاره ساخت و دنباله رو غرب و شیفته نظام های غربی قرار داد و ارتباطش را با وحی آسمانی ضعیف ساخت، قطعاً نتیجه برنامه ریزهای منظم خبرگان غربی و دشمنان اسلام است. شاعر شرق علامه اقبال؛ در همین خصوص درد مندانه می گوید:

چو می بینی که رهزن کاروان کشت
چه پرسی کاروانی را چه سان کشت
مباش ایمن از آن علمی که خوانی
که از وی روح قومی می توان کشت

پاره ای از ارمانهای غرب زدگی

- ۱- تفکیک سیاست از دینت.
- ۲- تلاش برای محصور کردن دین به محدوده مسائل فردی و شخصی.
- ۳- اعتقاد به اینکه مذهب سد راه نهضت علمی است.
- ۴- قرار دادن حجاب نشانه استبداد مرد و خاطرات عهد کهن.
- ۵- اعتقاد به اینکه دین عامل ارتجاع و عقب ماندگی است.
- ۶- اعتقاد به اینکه قوانین اسلام و احکام فقهی با وضعیت صدر اسلام منطبق است و اکنون نیازمند اصلاح و تجدید نظر می باشد.
- ۷- گسترش سیستم بانکداری با بهره و دور انداختن احکام ربای.
- ۸- توسعه روز افزون تفریحات غیر سالم و ترویج لذت پرستی.
- ۹- احیای سنتهای فرسوده عهد کهن.
- ۱۰- قرار دادن علما و پیشوایان مذهبی در ردیف پاپها و رهبران کلیساها.

جنگ سرد یا تهاجم فرهنگی

واقعیت تلخی که هرگز فراموش نمی شود، توطئه های دشمنان اسلام در زمینه فرهنگی در کشورهای اسلامی است.

با جهل و بیماری را با بیماری و ضعف را با ضعف مداوانمودند که با این طریق نه تنها مشکلی حل نشد بلکه مشکلات چند برابر گردید». (۱)

جهان اسلام دنباله رو غرب

متأسفانه جهان اسلام از زمانی که ارتباطش را با مراکز علمی خود یعنی حوزه ها ضعیف کرد یا کلاً قطع نمود و بجای آن، شیوه آموزش غربی را برگزید، در این خصوص تنها به اختیار کردن خوبیها اکتفا نکرد بلکه خود را در بست در اختیار شیوه های غربی قرار داد، از آن زمان به بعد مشاهده می کنیم که جهان اسلام اهمیت واقعی و نقش اساسی خود را از دست داد و دنباله رو غرب قرار گرفت.

متفکر بزرگ علامه سید ابوالحسن ندوی؛ درباره آثار و ثمرات شیوه آموزش غربی چنین می فرماید: بدیهی است در میان چنین امتی (یعنی امت مسلمان) اگر شیوه آموزش دیگری پیدا شود که شالوده های آن، بر اساس ایدئولوژی دیگری استوار باشد که دارای ویژگیهای اسلامی نباشد، بدون تردید کشمکش عمیق و وسیعی در میان آنها پیدا خواهد شد که همواره با تأیید یکی و تخریب دیگری، مواجه خواهد شد و هر یک از افراد آن ملت به تصدیق یکی و تکذیب دیگری خواهند پرداخت، بدیهی است که حسن نیت و اظهار علاقه پدران و نیاکان نمی تواند از بروز این وضع جلوگیری کند. این مراقبت های فرعی و خارجی فقط می تواند پیدایش و یا بروز این حالت را کمی تأخیر بیندازد ولی هرگز نمی تواند سدّی در برابر آن ایجاد کند. چنانکه اگر درختی روی نظام طبیعت پرورش بیابد در موعد خود، میوه اش را خواهد داد، انسان فقط می تواند با مراقبت خود آن را یاری کند ولی هرگز نمی تواند درخت را مجبور کند که میوه دیگری بدهد. شیوه آموزش غربی دارای روح و روانی است که در آن، افکار و روحیات واضعین آن جلوه گر است و آن نتیجه طبیعی دانش و بینش چندین هزار ساله مردم جهان غرب است که بر اساس معیاری غربی استوار است.

اعتراف دانشمندان غربی

دانشمند معروف «لئوپولدوس» اتریشی پس از مشرف شدن به آیین اسلام نام «محمد اسد» را برای خود انتخاب کرده است. در کتابش «الاسلام علی مفرق الطرق» چنین می گوید: ما هرگز نمی توانیم انتظار داشته باشیم که جوانان مسلمانی که به شیوه غربی آموزش می بینند، یک مسلمان واقعی باشند و در دل آنها عداوت و کینه توزی نسبت به اسلام نباشد. افراد انگشت شماری پیدا می شوند که از نیروی فوق العاده ای برخوردار

جامعه شناس معروف محمد قطب در کتاب «واقعنا المعاصر» در باره آغاز تهاجم فرهنگی به مصر چنین می گوید: آقای «دنلوب» که خودش یک آسقف بود توسط «کرومر» وزیر فرهنگ انگلیس برای پیاده کردن شیوه های آموزشی غرب به مصر اعزام گردید، وقتی «دنلوب» به مصر رحل اقامت افکند متوجه شد که اینجا بزرگترین حوزه علمیه جهان اسلام یعنی دانشکده «الازهر» قرار دارد، او تنها کاری که کرد این بود که در گوشه و کنار مصر مدارس به سبک غرب تأسیس نمود، به تدریج دولت مصر و ادار شد، تا برای کسانی که در ادارات دولتی و مراکز فرهنگی استخدام می شوند گواهی نامه فراغت تحصیل از مدارس «دنلوب» را الزامی بگرداند، قبلاً این گونه پست ها توسط فارغ التحصیلان «الازهر» اشغال می شد. اما بعد از گشایش مدارس «دنلوب» از هری ها فقط با حقوق اندک و غیر مکفی در مساجد استخدام می شدند و برای اغلب آنان این شغل نیز میسر نمی شد. «دنلوب» هم صرفاً به تعلیم علم و هنر اکتفا نکرد بلکه در لابه لای آموزش های علمی اهداف صلیبی «کرومر» را پیاده می کرد. (۲) مشابه همین ماجرا در کشور هند اغلب کشورهای اسلامی اتفاق افتاد.

در هند چه گذشت؟

مأموریتی که مستر «دنلوب» در مصر به عهده داشت در هند توسط «لورد میکالی» انگلیسی پیاده گردید «لورد میکالی» با پیاده کردن برنامه های فرهنگی اثر اوضاع هند را متزلزل ساخت. او پس از فعالیتهای منظم، گزارش زیر را به بزرگان انگلیسی نوشته است. «این شیوه تعلیم در هند تأثیر زیادی گذاشته است به طوری که کسی یافت نمی شود که زبان انگلیسی را یاد گرفته است و نسبت به ارزشهای دینی وفادار و صمیمی باشد.» «لورد میکالی» هدف مأموریت خود را در جایی دیگر این گونه اظهار می دارد: «باید از مردم هند گروهی تربیت کنیم که از لحاظ رنگ و خون، هندی اما از نظر عقل و اندیشه کاملاً انگلیسی باشند.» (۳) دارالعلوم دیوبند و دارالعلوم ندوة العلماء برای مبارزه با طرح ها و توطئه های فرهنگی «لورد میکالی» تأسیس شدند. علامه بزرگ حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی؛ دارالعلوم دیوبند را در هند بنیان گذاری نمود که امروزه اغلب مدارس شبه قاره هند و ایران شاخه های آن محسوب می شوند. شعار دارالعلوم دیوبند در چهار چیز خلاصه می شد:

- ۱- حفظ و نگهداری علوم نبوی و اندیشه های اسلامی
- ۲- نشر و اشاعه عقیده خالص توحید
- ۳- اتباع سنت رسول الله و مبارزه با بدعتها

۴- اعلای کلمة الله و جهاد فی سبیل الله تاریخ گواه است که دارالعلوم دیوبند بهترین مخلصان را تربیت و در اهداف خود موفقیت شایانی کسب کرد. چندی بعد دارالعلوم ندوة العلماء توسط علامه محمد علی مونگیری تأسیس گردید که شعارش «الجمع بین القديم الصالح و الجدید النافع» (جمع بین ارزشهای خوب گذشته و تازه ها مفید بود.) به دنبال آن، حوزه ها و مدارس متعددی در تمام کشورها تأسیس گردید و هنوز این سلسله ادامه دارد و روز به روز شکوفاتر می گردد.

دوگانگی فرهنگی مولود شیوه های غربی

محصول عمده شیوه های آموزش غربی این شد که در جامعه، دوگانگی فرهنگی «الثنویة العلمية» پدیدار گشت. به این طریق امت اسلامی مخصوصاً نسل جوان به دو گروه بزرگ درس خوانده های علوم جدید و درس خوانده های علوم قدیم، تقسیم گردید که هر کدام خود را تافته جدا بافته از دیگر می پنداشت و تنها خود را باور می کرد و دیگری را سدره خود می دانست. نویسنده معاصر دکتر اسرار عالم هندی می نویسد: «امروزه جوامع اسلامی به دو گروه جدید و قدیم و طرف داران نو و کهنه منقسم شده اند، مسلماً این پدیده جهان اسلام را به شدت دچار اختلال فکر و عمل نموده و باعث جمود و رکود در زمینه های مختلف گشته و راه ترقی و توسعه را مسدود نموده است.»

تراژدی تلخی که باعث مشکلات گشته است به راستی که یکی از تراژدیهای بزرگ قرن بیستم در کشورهای اسلامی نبرد دو گروه قدیم و جدید بوده است که هنوز هم در بسیاری از کشورها ادامه دارد و اثرات ناگوار آن احساس می شود. اوضاع افغانستان در قرن گذشته و اوضاع الجزایر و مصر و پاکستان و بسیاری از کشورهای دیگر گواه مدعای ما است، به راستی که اکثر تشنجه ها و تنش ها و نگرانیها پیامدهای تلخ و نامطلوب دوگانگی فرهنگی محسوب می گردد. ناگفته نماند که هدف ما از این گفتار نفی آموزش جدید و دست آوردهای مثبت فرهنگی هرگز نیست. دین اسلام ترقی و توسعه در علوم و فراگیری تجربه ها و هنرها را نه تنها مباح دانسته بلکه هر چه به شدت به سوی آن فرا خوانده و تشویق نموده است، آن چه نامطلوب است روش و شیوه های غلط و برداشتهای نادرست از علوم و فنون و تئوریهایی باشد.

رسالتی که نباید در انجام آن تأخیر شود

با توجه به مشکلات یاد شده؛ جهان اسلام و نسل معاصر سرگردان است و تنها به سوی حوزه های علمیه که پاسداران

جهت تزکیه و اصلاح اخلاق و رشد معنویت با مشایخ و مربیان روحی ارتباط برقرار نموده و از تجربه و راهنمایی آنان مستفید گردند.» ایشان اضافه می کنند: با توجه به ضعف استعدادها و نیازهای جدید زمان حاضر، تجدید نظر در برنامه های درسی لازم است، سپس توجه علما و مسئولین مدارس دینی را به نکات ذیل مبذول می دارد.

۱- با توجه به اهمیت زبان عربی و لزوم ارتباط با کشورهای عربی و جهان اسلام و تربیت نویسندگان، لازم است این زبان با شیوه های جدید تدریس گردد و کتابهای جدیدی برای آموزش زبان و ادبیات در برنامه درسی گنجانده شود.

۲- سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و تاریخ اسلام جزو دروس اصلی قرار داده شود.

۳- جهت پاسخگویی به ایرادات فرق باطله و شبهات جدید، کتابهایی تدوین و تدریس گردد.

۴- رشته های زبان خارجی و تحلیل و نقد فلسفه های غربی و علم اقتصاد و حقوق معاصر و جامعه شناسی که در تبیین جهان بینی مؤثر واقع می شوند، تدریس گردند.

تبلیغ اسلام در غرب و تهیه کتب و مواد لازم و مؤثر
استاد عثمانی مد ظله که خودش از اغلب کشورهای غربی، دیدن نموده و اوضاع آنها را از نزدیک مورد بررسی قرار داده است، می فرماید: «تعداد زیادی از مسلمانان در قاره های اروپا، آمریکا، آفریقا و استرالیا و کشورهای خاور دور سکونت دارند، آنها نسبت به نسل آینده شان نگرانند و مرتباً از کشورهای اسلامی و حوزه های علمیه و مراکز علمی می خواهند که برایشان علما و مبلغان برجسته ای اعزام دارند، اما متأسفانه تعداد افراد واجد الشرائط که بتوانند به این گونه خواسته ها پاسخ مثبت بدهند انگشت شمار است.»

عرضه تعالیم اسلام به اقشار مختلف جامعه
در جوامع اسلامی از یک نظر می توان مردم را به سه دسته تقسیم کرد.

- ۱- نوباوگان و دانش آموزان (الطبقة الدارسة)
- ۲- دانش جویان و تحصیل کرده ها (الطبقة المثقفة)
- ۳- توده مردم (الجماهیر)

الف- مسئولیت حوزه در قبال نوباوگان و دانش آموزان این است که نسبت به تعلیم قرآن و آموزش آداب و تعالیم اسلام برنامه ریزی کند اجرای چنین برنامه هایی تنها در تعطیلات تابستانی کافی نیست بلکه باید در طول سالهای تحصیلی ادامه داشته باشد.

آخرین وحی الهی و امید امت اسلامی هستند چشم دوخته است. طبق تعبیر متفکر بزرگ اسلام علامه سید ابوالحسن ندوی: «حوزه های علمیه از چشمه های حیات نبوی آب می گیرند و کشتزار زندگی را سیراب می نمایند، به راستی که چشمه های نبوی هیچ گاه نمی خشکند و بشریت نیز هیچ گاه از آن احساس بی نیازی نمی کند.» بی تفاوتی حوزه های علمیه از اوضاع کنونی و کناره گیری آنها از رهبری و راهنمایی جامعه، مرادف با خود کشی و بی وفایی نسبت به بشریت بلکه خیانت به آن است. اینجا است که مسئولین و گردانندگان حوزه ها باید در کلیه شئون فعالیت های خود، تجدید نظر کنند و از خود پیرسند آیا دارند به رسالت خود در زمینه های مختلف عمل می کنند یا خیر؟ آیا حوزه های علمیه شکل موزه های باستانی به خود نگرفته اند که صرفاً محافظ شکلها و مدلهای قرون گذشته بوده و فاقد نقش مؤثر در جهان هستند.

لزوم تغییر و تحول در برنامه های تعلیمی و تربیتی
با توجه به این که حوزه های علمیه مراکز تعلیم و تربیت و کارخانه های آدمگری و رجال سازی هستند که مربیان و مصلحان جامعه بشری را تربیت می کنند. از این رو لازم است در برنامه ریزها، نیازهای جهان معاصر و نشیب و فرازهای تمدن کنونی را حتماً مد نظر قرار دهند و برای پاسخ گویی به مشکلات زمان حاضر و آینده، افراد شایسته ای به جامعه تحویل دهند.

بسیاری از متفکران و صاحب نظران امور تربیتی، اذغان دارند که در برنامه های حوزه های علمیه باید چنین تحولاتی صورت بگیرد، متفکر شهیر استاد ندوی؛ در این خصوص چنین می فرماید: علمای اسلام در هر زمان، حسب نیاز اقتصاد آن زمان، کتابهای جدیدی را در برنامه های درسی می گنجانند و از پذیرفتن مطالب مفید باکی نداشتند، متأسفانه در صد سال اخیر این برنامه درسی با وجود تحولات جدید فکری، سیاسی و غیره نیاز به تحول دارد که تا به حال چندان تغییری نیافته است، در حالی که تحولات زمان در بعضی موارد کاملاً مقتضی تغییر و تحول در آن است.

نظریه علامه محمد تقی عثمانی
علامه محقق حضرت مولانا مفتی محمد تقی عثمانی مد ظله می نویسد: «جهت احیای مجدد معنویت در حوزه ها، لازم است کتابهای اخلاق و تزکیه جزء برنامه های درسی قرار داده شوند، و اساتید و طلاب هر هفته زندگی نامه و شرح حال بزرگان دین را به طور دست جمعی مطالعه و مذاکره نمایند و

ب - دانش جویان قشری هستند که آینده مملکت، پست‌ها و مناسبت‌ها و اداره امور جامعه به آنها واگذار خواهد شد. از این رو برای هدایت و راهنمایی این قشر باید جداً گام‌های مؤثری برداشته شود. مسئولین حوزه‌ها و سایرین باید این قشر را درک کنند، بشناسند، آنها را دریابند، با آنها محبت نمایند، شبهات و اشکالاتی که در اذهان آنها به وجود آمده است آن را برطرف کنند آنگاه جهت آشنایی آنها با فرهنگ اصیل اسلام و قرآن برنامه ریزی کنند. جلسات منظمی تشکیل دهند تا به این طریق این قشر احساس بیگانگی ننماید و از علما و مدارس دینی نگریزد و نسبت به اسلام و قرآن، وفادار و صمیمی شود. استعدادهای سرشارش را برای پیشبرد اهداف اسلام صرف کند و الگوی تقوا و دین‌داری قرار بگیرد و آینده جامعه اسلامی را متحول سازد.

مسئولیت در قبال توده امت

بدون تردید موفقیت جامعه اسلامی در دین است که توده امت پایبند به شریعت و تقوا و اخلاص باشد و در کلیه شئون زندگی به تعالیم اسلام عمل نماید. امدادهای غیبی پروردگار منوط به ایمان واقعی و تقوای کامل می‌باشد و اعلموا ان الله مع المتقين (بدانید که الله با متقیان است). ان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون (بدون شک الله با کسانی است که تقوا را پیشه کنند و با کسانی است که نیکوکار باشند). طبق توضیح حدیث شریف، «محسنین» کسانی هستند که چنان الله را بندگی کنند گویی در حضور او هستند و او را می‌بینند و الله قطعاً آنها را می‌بیند. آری به وسیله ایمان و تقوا است که امت اسلامی در مقابل دشمنانش پیروز می‌شود. ان تقوا و تصبروا لایضرکم کیدهم شیئاً (اگر تقوا و صبر را پیشه کنید، توطئه دشمنان هیچ ضرری به شما نخواهد رسانید). به وسیله ایمان و تقوا و ارتباط با الله و یاد او است که بشریت به آرامش می‌رسد. الا بذكر الله تطمئن القلوب (آگاه باشید که تنها با یاد الهی است که دلها آرام می‌گیرند). به وسیله تقوا و ایمان است که وحدت و انسجام واقعی در میان امت به وجود می‌آید و تداوم پیدا می‌کند، بالاخره این امت تنها به وسیله ایمان و اعمال صالحه می‌تواند در دنیا به «حیاء طیبه» و در آخرت به نعمتهای بهشت برین نایل آید: من عمل صالحاً منکم من ذکر او اثنی و هو مومن فلنحینه حیاء طیبه و لنجزینهم اجرهم بأحسن ما كانوا يعملون (هر کس از شما چه مرد باشد چه زن اگر عمل نیک انجام دهد در حالی که مؤمن (واقعی) باشد پس حتماً او را به حیاء طیبه (زندگانی با عزت و آرام بخش) مشرف می‌کنیم و پاداش بهترین اعمال را به وی

عنايت می‌نماییم). قرآن به صراحت می‌گوید: ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض (اگر اهل آبادیها ایمان و تقوا را اختیار کنند قطعاً دروازه برکتها را از آسمان و زمین بر روی آنها خواهیم گشود) عامل تمام بدبختیهای امروزی جامعه اسلامی این است که در میان توده امت، ایمان ضعیف شده و تقوا و عمل و دینداری بی اهمیت گردیده است. بر حوزه‌های علمی لازم است که در میان دریای امت، حالت جزیره به خود نگیرند. بلکه برای هدایت و اصلاح امت از سر نو تصمیم بگیرند و برنامه ریزی کنند، تنها ایراد چند خطابه و سخنرانی از تریبون جمعه‌ها کافی نیست، بلکه باید در سطح شهرها و روستاها و مناطق دور و نزدیک، جهت نشر و اشاعه تعالیم قرآن برنامه ریزی شود، جلسات منظمی تشکیل گردد، مخلصین و ربانیین از جان، مایه گذارند و شب و روز بکوشند تا امت اسلامی را به روش صدر اول اسلام برگردانند و با صفات صحابه کرام متصف کنند به طوری که هر فرد امت، خود را مسئول تمام افراد بداند و برای اعلای کلمة الله و جهاد فی سبیل الله و دعوة الی الحق، از هیچ گونه فداکاری دریغ نمایند. مسلماً بی تفاوتی و عدم تعهد افراد امت چنان که امروزه مشاهده می‌شود، قطعاً با هدف اصلی این امت هم خوانی و سازگاری ندارد. متأسفانه عده کثیری از افراد امت بر این باورند که خدمت دین تنها وظیفه علما است و اگر آنها وظیفه‌ای دارند فقط در شنیدن موعظه و دادن کمکهای محدود، به قول معروف «چنده» به مدارس و مساجد خلاصه می‌شود در حالی که صحابه کرام و مسلمانان صدر اول این گونه نمی‌اندیشیدند.

سخن آخر

این امت جانشین پیامبرش است خداوند متعال خطاب به او می‌فرماید: کتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله (شما بهترین امتی هستید که برای افاده توده مردم مبعوث شده‌اید، امر بالمعروف و نهی عن المنکر می‌کنید و به الله ایمان دارید، بر علما لازم است نه تنها این واقعیت را به امت اسلامی تفهیم نمایند بلکه تک تک افراد را برای انجام این مسئولیت فوق العاده سنگین ولی باعزت آماده سازند و تحت نظارت خود تمرین دهند. آن گاه است که اوضاع جهان دگرگون و امت اسلامی با هدفش آشنا خواهد شد و سرنوشت بشریت تغییر خواهد یافت.

و ما ذلک علی الله بعزیز و هو المستعان و علیه التکلان

۱- کیف ینظر العالم الی جزیره العرب. - ۲ واقعنا المعاصر ص. ۲۲۰ اثر استاد محمد قطب - ۳ تاریخ الاسلام فی الهند.